



امام علی(ع) برای دنیا و تلاش برای آباد کردن آن اصالت قائل هستند/هیچ راه گریزی از مرگ وجود ندارد

سیره عملی و بیانات متعدد امام علی(ع) به صورت صریح بر این امر شهادت می دهد که ایشان برای دنیا، امور دنیوی و زندگی دنیوی و بالطبع تلاش برای آباد کردن آن اصالت قائل هستند.

سیره عملی و بیانات متعدد امام علی(ع) به صورت صریح بر این امر شهادت می دهد که ایشان برای دنیا، امور دنیوی و زندگی دنیوی و بالطبع تلاش برای آباد کردن آن اصالت قائل هستند.

امام علی(ع) در خطبه هشتاد سوم نهج البلاغه که به خطبه «غراء» مشهور است، می فرماید: ستایش مخصوص خداوندی است که علو مرتبه اش به خاطر قدرت او است و نزدیکیش به مخلوقات به واسطه عطا و بخشش او، همو است بخشنده تمام نعمتها و دفع کننده تمام شدائد و بلاها او را می ستایم در برابر عواطف کریمانه و نعمتهای وسیع و گسترده اش به او ایمان می آورم چون مبدأ هستی و ظاهر و آشکار است و از او هدایت می طلبم چون راهنما و نزدیک است. از او یاری می جویم چون توانا و پیروز است. بر او توکل می کنم چون تنها یاور و کفایت کننده است. گواهی می دهم که محمد(ص) بنده و فرستاده اوست. او را فرستاده تا فرمانهایش را اجرا کند و به مردم اتمام حجت نماید و آنها را در برابر اعمال بد، بیم دهد.

ای بندگان خدا! شما را به ترس از خدایی که برای بیداری شما مثلها زده (و پندها داده) سفارش می کنم، خداوندی که اجل و سرآمد زندگی شما را معین کرده و لباسهای فاخر را بر شما پوشانده، زندگی پر وسعت به شما بخشیده و با حساب دقیق خود به شما احاطه دارد در برابر کارهای نیک پاداش برای شما قرار داده و با نعمتهای گسترده و بخششهای وسیع، گرمی داشته و به وسیله پیامبران و دستورات رسا و روشن از مخالفت فرمانش بیم داده است. تعداد شما را به خوبی می داند و چند صباحی توقف، در این سرای آزمایش و عبرت برایتان مقرر داشته. در این دنیا آزمایش می شوید و در برابر اعمالتان محاسبه می گردید.

دگرگونیهای دنیا(آری) آب این جهان همیشه تیره و همواره با گل و لای توام بوده است، منظرهای دلفریب و سرانجامی خطرناک دارد، فریبنده و دل انگیز است اما دوامی ندارد، نوری است در حال غروب، سایه ای است زوال پذیر و ستونی است مشرف بر سقوط و هنگامی که نفرت کنندگان به آن دل بستند و بیگانگان از آن، به آن اطمینان پیدا کردند، همانند اسبی که به طور غافلگیرانه پاهای خود را بلند کرده و سوار را به زمین می افکند، آنها را بر زمین می کوبد و با دامهای خود آنها را گرفتار می سازد و تیرهای خود را به سوی آنان پرتاب می کند.

طناب مرگ به گردن انسان می افکند و به سوی گوری تنگ و جایگاهی وحشتناک که از آنجا محل خویش را در بهشت و دوزخ می بیند و پاداش اعمال خود را مشاهده می کند، می کشاند! همچنان آیندگان به دنبال گذشتگان گام می نهند، نه مرگ از نابودی مردم دست می کشد، نه مردم از گناه. و همچنان تا پایان زندگی و سر منزل فنا و نیستی آزادانه پیش می روند.

رستاخیز تا آنجا که امور پی در پی بگذرد و زمانها سپری گردد و رستاخیز بر پا شود در آن زمان آنها را از بیغوله های گور و لانه های پرندگان و جایگاه درندگان و میدانهای جنگ بیرون می آورد با شتاب به سوی فرمان پروردگار روی می آورند به صورت دستجات خاموش و صفوف ایستاده حاضر می شوند، گر چه جمع آنها بسیار است ولی از دیدگاه علم نافذ پروردگار مخفی نمی مانند و به خوبی صدای (فرشتگان) به گوش آنها می رسد، لباس نیاز و خضوع به تن پوشیده اند، درهای حیل و فریب بسته شده، آرزوها قطع گردیده، دلها ساکن، صداها (از اوج خویش افتاده) آهسته از گلو بیرون آید، عرق از گونه ها سرازیر، اضطراب و وحشت آنها را فرا گرفته است، بانگی رعدآسا گوشها را به لرزه آورد و به سوی پیشگاه عدالت، برای دریافت کیفر و پاداش و بهره مند شدن از ثواب، فرا خوانده می شوند.

بندگانی که با دست توانای او آفریده شده اند و بی اراده خویش به وجود آمده و پرورش یافته اند(و مالك خود نیستند) در چنگال مرگ قرار گرفته و در گهواره گور آرمیده از هم متلاشی می شوند و به تنهایی سر از لحد برمی آورند و برای درک پاداش قدم به صحنه قیامت می گذارند به دقت سرشماری شده و به حسابشان رسیدگی می گردد. این چند روزه به خاطر این مهلت یافته اند که در جستجوی راه صحیح برآیند و راه نجات به آنها ارائه شده، این چند روز عمر (نه به خاطر این است که سرکشی کنند بلکه برای آن است) که رضایت خدا را جلب نمایند. ظلمت و تاریکی های شک و تردید از آنها کنار زده شده، آنها را آزاد گذارده اند تا برای مسابقه (در قیامت) خود را آماده سازند، آنها را آزاد گذارده اند تا فکر و اندیشه خود را برای یافتن حق به کار برند و در کسب نور الهی در مدت زندگی تلاش و کوشش کنند.

چه مثلتهای رسائی اوه چه مثلتهای صائب و رسائی! و چه اندرزهایی دلنشینی! ولی به شرط آنکه با قلبهای پاک مواجه گردد و در گوشهای شنوایی فرو رود و به رأی هایی جازم و عقلهای کاملی دست یابد. تقوا پیشه کنید، تقوای کسی که چون بشنود احساس مسئولیت کند و چون گناه کند اعتراف نماید و چون احساس مسئولیت نماید قیام به عمل کند و چون بیمناک گردد به

طاعت حق مبادرت ورزد و (چون به مرگ و لقای پروردگار) یقین کند نیکی نماید و هرگاه درس عبرت به او دهند عبرت پذیرد.

و هر گاه او را بر حذر دارند قبول کند و اگر منعش کردند از نافرمانی باز ایستد (دعوت خدا) را پاسخ گوید و به سوی او باز گردد و چون باز گردد توبه کند و چون تصمیم به پیروی از پیامبران گیرد دنبال آنان گام بردارد، چون نشانش دهند به بیند و به سرعت به سوی حق حرکت کند و از نافرمانیها فرار نماید، ذخیره ای به دست آورد و باطن خویش را پاکیزه و آخرت خود را آباد سازد، زاد و توشه ای برای روز حرکت و هنگام حاجت و سر منزل نیاز، تهیه کند، همه اینها را پیش از خود، به منزلگاه جاویدانی، به فرستد. ای بندگان خدا از نافرمانی او بپرهیزید، به خاطر هدفی که شما را برای آن آفریده و آن چنانکه به شما هشدار داده، از مخالفتش بر حذر باشید تا استحقاق آن چه را به شما وعده داده پیدا کنید که وعده او مسلم و تهدید او وحشتناک است.

یادآوری نعمتهای گوناگون خداوند برای شما گوشههایی آفریده که آنچه را می شنوند حفظ کنند و چشمهایی که در تاریکی حقایق را به بینند و هر عضوی را به نوبه خود اعضایی داد که در ترکیب بندی و دوام، متناسب و هم آهنگ با یکدیگرند، بابد نهایی که با ساختمان موزون خود قائم و برقرارند و با دلهایی که آماده پذیرش مواهب او هستند از نعمتهای او برخوردار بوده و موجبات امتنان وی آشکار است با وسائلی که تندرستی شما را حفظ می کند. عمرهایی برایتان مقدر فرموده ولی مقدار آن از شما پنهان است و از آثار گذشتگان برایتان عبرتها ذخیره کرده، لذتهایی که از دنیا بردند و موهبتهایی که قبل از گلوگیر شدن به مرگ از آن بهره مند می گردیدند. سرانجام دست نیرومند مرگ گریبان آنها را گرفت و بین آنها و آمالشان جدایی افکند و با فرا رسیدن اجل به سرعت آنها را از آرزوها برید. آنها به هنگام تندرستی چیزی برای خود نیندوختند و در نخستین زمان زندگی عبرت نگرفتند، آیا کسی که جوان است جز پیری انتظار دارد؟ و افرادی که برخوردار از نعمت تندرستی هستند، جز حوادث بیماری را چشم به راه می باشند؟ و آیا کسی که باقی است جز فنا را منتظر است؟ با اینکه هنگام فراق و جدایی و لرزه اضطراب و ناراحتی مصیبت نزدیک شده که حتی فرو بردن آب دهان برای او مشکل شود و از فرزندان و بستگان یاری جوید!

آیا آنها می توانند مرگ را از او دفع کنند؟ و با ناله های آنان و فریادشان برای او سودی دارد؟ نه! او به سرزمین مردگان سپرده می شود و در تنگنای قبر تنها می ماند. حشرات پوستش را از هم می شکافند و سختیهای گور او را می پوساند و از پای در می آورد، تند بادهای سخت آثار او را نابود می کند و گذشت شب و روز نشانه های او را از میان می برد، اجساد، پس از طراوت و تازگی تغییر می پذیرند و استخوانها بعد از توانایی پوسیده می گردند، ارواح، گروگان مسئولیت اعمال خویشند و در آنجا به اسرار نهانی یقین حاصل می کنند، نه بر اعمال صالحشان چیزی افزوده می شود و نه از اعمال زشتشان می توانند توبه کنند.

آیا شما فرزندان و پدران و برادران و بستگان همان مردم نیستید که گام جای گام آنها نهادید؟! و در همان جاده ای قدم می نهید که آنها نهادند و روش آنان را دنبال می کنید؟ دلها از بهره گرفتن سخت شده و از رشد معنوی بازمانده و در غیر طریق حق راهپیمایی می کنند، گویا آنها مقصود نیستند و گویا آنها نجات و رستگاری را در تحصیل دنیا می دانند. عبور بر صراط آگاه باشید عبور شما از صراط خواهد بود، گذرگاهی که عبور از آن خطرناک است، معبری که قدم در آن لرزان می شود و بارها می لغزد.

ای بندگان خدا از خدا بترسید همچون ترس صاحب عقلی که فکر، قلبش را مشغول ساخته و ترس بدنش را خسته کرده شب زنده داری خواب او را هم از چشمش ربوده، امید به رحمت خدا او را به تشنگی روزه روزهای گرم واداشته، زهد در دنیا خواهشهای نفس را از او گرفته، به سرعت زبانش به ذکر خدا می گردد، برای ایمنی در قیامت ترس از مسئولیت را پیش فرستاده، از راههای دیگر جز راه حق چشم پوشیده، در بهترین و راست ترین راهی سیر می کند که آن راه مطلوب خداست. فریب آنچه انسان را مغرور می کند و از راه منصرف می سازد نخورده، امور مشتبه او را نابینا نساخته، مژده بهشت و زندگی کردن در آسایش و نعمت در بهترین جایگاه و ایمن ترین روزها او را خشنود ساخته است.

از گذرگاه زود گذر دنیا با پسندیده ترین طرز گذشته، توشه سعادت آخرت را پیش فرستاده و از ترس آن روز به عمل صالح مبادرت ورزیده، ایام زندگی با سرعت مشغول بندگی بوده، در طلب خشنودی پروردگار رغبت و میل کامل داشته، از آنچه باید فرار کند بر کنار بوده، امروز رعایت فردای خویش را نموده، آینده خویش رادیده است. بهشت برین شایسته ترین پاداش نیکو کاران و دوزخ مناسب ترین کیفر بدکاران است، خدا برای انتقام گرفتن و یاری کردن کافی است و قرآن برای بازخواست کردن و داوری خواستن کفایت می نماید.

توصیه به تقوا توصیه می کنم شما را به تقوا و پرهیز از خدایی که با انذار خود، راه عذر را بر شما مسدود ساخته و با دلیل روشن حجت را تمام کرده و شما را بر حذر داشته از دشمنی که مخفیانه در سینه های شما راه می یابد و آهسته در گوشه می دمد، گمراه و پست می سازد نوید می دهد و انسان را به خواهش و می دارد، گناهان و جرائم زشت را نیکو جلوه می دهد و گناهان بزرگ را سبک می شمرد و به تدریج پیروان خود را فریب داده و در سعادت را بر وی گروگان خود می بندد(در سرای آخرت) آنچه را که آراسته، انکار می کند و آنچه آسان جلوه داده بزرگ می شمارد و از آنچه آنها را ایمن کرده سخت می ترساند...

مگر این همان نطفه و خون نیم بند نیست که خداوند او را در تاریکیهای رحم و غلافهای تو در توی(شکم مادر) آفرید تا (به صورت) جنین در آمد، سپس کودکی شیر خوار شد، کم کم بزرگتر گردید تا نوجوانی (خوش منظر) گردید و به او فکری حافظ و

زبانی گویا بخشید تا درك كند و عبرت گیرد و از بدیها بپرهیزد تا به حد کمال رسید و بر پای خود ایستاد آغاز به تکبر کرد، رو گردانید و بی پروا در بیراهه گام نهاد. هوا و هوس را از اعماق وجود خود بیرون می کشد و برای بدست آوردن خواسته های دل و لذت بی حساب در دنیا خود را به رنج می افکند، هرگز نمی پندارد مصیبتی برایش پیش می آید. پرهیز و خشوعی ندارد، در حال فتنه و فریب به سر می برد و در دل بدبختیها کمی زندگی کرده، در حالی که در برابر آنچه از دست داده بدل و عوضی بدست نیاورده و وظائف واجب خود را ترك نموده.

هنوز کوشش او در راه هوا و هوس و به دست آوردن آرزوهایش پایان نیپذیرفته که ناراحتی های مرگ به او نزدیک می شود، روزها متحیر و شبها در درون دردها و بیماریها تا به صبح بیدار است، در میان برادری غمخوار و پدری مهربان افتاده و صدای (همسرش) به گریه بلند است. (و همسر یا مادرش) در کمال اضطراب و ناراحتی به سینه می کوبد، اما او در حالت بیهوشی و سكرات مرگ و غم و اندوه بسیار و ناله دردناك و جان دادن و با حالت انتظاری رنج آور، دست به گریبان است (و سرانجام جان می سپارد) سپس او را مأیوسانه در كفن می پیچند و در حالی که آرام و تسلیم است بر می دارند و بر روی چوبهای تابوت می افکنند، خسته و کوفته و لاغر به سفر آخرت که در پیش دارد می رود، دوستان و فرزندان و جمع برادران او را به دوش می کشند و تا سر منزل غربت و خانه ای که هرگز از او نمی توان دیدن کرد و در وحشت و تنهایی باید در آن به سر برد او را پیش می برند (و در درون قبرش می گذارند).

اما هنگامی که تشییع کنندگان و ناله سردهندگان برگردند، وی را در حفره گور می نشانند. او از ترس و تحیر در سؤال و لغزش در امتحان آهسته سخن می گوید و بزرگترین بلا در آنجا آب سوزان آتش دوزخ و برافروختگی شعله ها و نعره های آتش است، نه لحظه ای مجازات او آرام می گیرد که استراحت کند و نه آرامشی وجود دارد که از درد او بکاهد و نه قدرتی که مانع کیفر او شود، نه مرگی است که او را از این همه ناراحتی برهاند و نه خوابی که اندوهش را برطرف سازد، میان مجازاتهای گوناگون و کیفرهای کشنده گرفتار است، از چنین سرنوشتی به خدا پناه می بریم!

ای بندگان خدا کجا هستند آنان که در طول عمر از نعمت برخوردار بودند؟ کجایند آنها که تعلیم یافتند و درك کردند اما مهلتشان دادند ولی آنها به لهو و لعب پرداختند و آنها را از آفات بدور داشتند اما آنان فراموش کردند؟ زمانی طولانی به آنها مهلت و عطایای نیکو داده شد و آنها را از کیفر دردناك بر حذر داشتند و به نعمتهای بزرگ وعده دادند و از گناهایی که انسان را در ورطه هلاکت می افکند و از عیبهایی که باعث خشم خدا می شود بر حذر داشتند، (ولی آنها از تمام این امور پند نگرفتند). ای دارندگان چشمها، گوشها، سلامت و متاع دنیا! هیچ راه گریز یا خلاص و پناهگاه و یا فرار یا بازگشتی هست؟ یا نه؟ به کجا رو کرده و به کدام سو می روید؟ و به چه چیز مغرور می شوید؟ تنها بهره هر کدام شما از زمین به اندازه طول و عرض قامت شماست، در حالی که گونه ها بر خاك سائیده می شود.

هم اکنون ای بندگان خدا! تا ریسمانهای مرگ بر گلولی شما نیفتاده و روح شما برای به دست آوردن کمالات آزاد است و جسدها راحت و در وضعی قرار دارید که می توانید با كمك يكديگر مشکلات را حل کنید و هنوز مهلتی دارید و جای تصمیم و توبه و بازگشت از گناه باقی مانده (از فرصت استفاده کنید) پیش از آنکه در شدت تنگنای وحشت و ترس و اضمحلال و نابودی قرار گیرید و پیش از آنکه مرگی که در انتظار شماست شما را فراگیرد و دست قدرت و توانای عزیز مقتدر شما را اخذ کند (آری پیش از همه اینها فرصت را غنیمت شمارید).

سیره عملی و نیز بیانات متعددی از حضرت علی(ع) به صورت صریح بر این امر شهادت می دهد که ایشان برای دنیا، امور دنیوی و زندگی دنیوی و بالطبع تلاش برای آباد کردن آن اصالت قائل هستند. با این حال فردگرایی افراطی که جهان را برای اکثریت مردم، تیره و تار می کند و جلو بهره مندی همگانی را می گیرد، مورد تأیید حضرت نیست و علیه آن استدلال کرده اند. نگرش دنیوی حضرت از آنجا که در ضمن نگرش اخروی صورت گرفته است در مقایسه جهان آخرت با جهان مادی، کوچکی این جهان به لحاظ کمی و کیفی نسبت به آخرت به شیوه های گوناگون گوشزد شده است.

بیانات متعددی از علی(ع) در تحقیر دنیا، مذمت آن و برجسته کردن بیشتر امور معنوی صادر شده است که این را می توان با عنایت به رسالت دینی آن حضرت و شرایط جامعه اسلامی آن روز توجیه کرد. با توجه به مؤلفه هایی چون رسالت دینی امام علی(ع) شرایط اجتماعی و اقتصادی زمانه و تأمل در بیانات آن حضرت، روشن می کند که جهان بینی حضرت علی(ع) با الگوی «دنیا و آخرت حداکثری» سازگارتر است.